

جریده عالم

الشرق الاوسط:

روسیه در تلاش برای کاهش تنش در سوریه است



مقامات سعودی که به صورت پنهان و آشکار از رژیم صهیونیستی حمایت می کنند و از تجهیز سوریه به سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ روسی دل خوشی ندارند، ادعا کرده اند: روس ها تلاش می کند تا تنش بین ایران و اسرائیل در سوریه را کاهش دهد. روزنامه سعودی الشرق الاوسط روز شنبه به نقل از یک منبع روس که به نام وی اشاره نکرده، مدعی شد که مسکو تلاش های نامحسوسی را باهدف کاهش تنش در سوریه آغاز کرده است. به نوشته الشرق الاوسط این منبع بعید ندانست که مسکو در این زمینه بخواهد نقش میانجی را بین دو طرف در سوریه ایفا کند.

این روزنامه افزود: روسیه در حمایت از تجهیز سوریه به سامانه اس-۳۰۰ در پاسخ اسرائیلی ها که به نابودی آن تهدید کرده بودند، از مقامات این رژیم خواست تا عاقل و خویشتندار باشند.

به نوشته این روزنامه، مسکو در دفاع از اقدام خود برای مجهز کردن سوریه به سامانه اس-۳۰۰ پیشرفته، پیام هایی را به آمریکا و اسرائیل ارسال کرد و در همین راستا سرگنی ریاپاکوف معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد که دمشق حق دفاع از خاک خود را دارد و این سامانه هدف دفاعی داشته و اقدامی تحریک آمیز نیست.

روزنامه سعودی افزود: همچنین سرگنی ورشچنین معاون وزیر دفاع روسیه از تل آویو خواست تا خویشتنداری کرده و از تصمیمات عجولانه دوری کند چرا که مبارزه با تروریسم در منطقه مساله مهمی است و سوریه نباید صحنه تسویه حساب هایی باشد که هیچ ارتباطی به مبارزه با تروریسم ندارد، این در حالی است که آویگدور لیبیرمن، وزیر جنگ اسرائیل اعلام کرده که هر چند تل آویو در تلاش است هماهنگی ها با روسیه را به حالت طبیعی خود برگرداند، اما از حمله به مواضع اس-۳۰۰ در سوریه عقب نخواهد نشست و اگر این سامانه علیه جنگنده های اسرائیلی بکار رود، آن را نابود خواهد کرد.

به گزارش ایرنا، روس ها، تل آویو را مسئول سرنگونی هواپیمای نظامی ایلوشین-۲۰ خود می داند که شامگاه ۲۶ شهریور در غرب سوریه ساقط و تمام ۱۵ خدمه پروازی آن کشته شدند. پس از آن بود که مقامات رژیم صهیونیستی تقلا کردند، اوضاع را به هر شکلی که شده سرو سامان دهند.

ریچارد کولاریچ مدیر اندیشکده علوم و سیاست گذاری انرژی در دانشگاه جرج میسون عقیده دارد که از این حادثه یعنی سقوط هواپیمای روسی در سوریه باید به عنوان نقطه عطفی برای تحولات خاور میانه نام برد، زیرا که با ورود اس ۳۰۰ به سوریه دوران خود بزرگ بینی و نازییدن تل آویو به نیروی هوایی اش به سر آمده و این رژیم حد خود را خواهد دانست.

وی افزود: موضع گیری روزهای گذشته مقامات صهیونیست درباره اس ۳۰۰ اوج درمادگی آنها را نشان می دهد. آنها گفته اند که مانع از ارسال این سامانه نخواهند شد، اما به شکل و شیوه ای که اعلام نکرده اند، با آن مقابله خواهند کرد.

استقرار سامانه اس ۳۰۰ در سوریه که به نوعی اقدام تلافی جویانه روسیه علیه تل آویو است، قاعده جدیدی را ایجاد خواهد کرد و زمینه را برای تثبیت توازن جدید برای برخورد با اقدامات رژیم صهیونیستی فراهم می آورد.

نگرانی واقعی تل آویو گزارشاتی هستند که نشان می دهد روسیه قصد دارد از جنگ افزارهای الکترونیک استفاده کند تا بتواند عملیات دریانوردی، مسیرهای ارتباطاتی و رادار هواپیماهایی که در دریای مدیترانه در نزدیکی سوریه فعالیت می کنند را کنترل کرده و اختلالاتی در رادار ها و مسیرهای ارتباطی ایجاد کند.

من یکی از هزاران قربانی ایزدی بودم. مردم ما از خانه خود رانده شده بودند و در خارج یا داخل عراق خانه به دوش و پناهجو بودند و کوچو هنوز در اشغال داعش به سر می برد. چیزهایی زیادی بود که باید در مورد آنچه به ایزدی های گذشت به جهانیان می گفتم

را آزاد می کردیم. من مجبور بودم تا در مورد حاجی سلمان و تعداد دفعاتی که وی به من تجاوز کرد و تمامی سوء استفاده هایی که به چشم خود دیدم با مردم صحبت می کردم. صداقت در این زمینه یکی از سخت ترین تصمیماتی بود که به عمر خود گرفتم و البته این مهم ترین تصمیم زندگی من بود.

پس از اینکه سخنرانی خود را خواندم شوکه شدم. من با آرامش تمام آنچه به سر کوچو و دخترانی همچون من آمده بود را تعریف کردم. من به آنها گفتم که چگونه

سربازان داعش به من تجاوز کردند و من را مکرراً مورد ضرب و شتم قرار دادند و البته چگونه در نهایت فرار کردم. من در مورد برادرانم که در میدان جنگ کشته شده بودند صحبت کردم. تعریف کردن این داستان ها هیچ وقت از دفعه قبل آسان تر نمی شود. هر بار که این داستان را تعریف می کنید، آن خاطره را تجدید کرده و تجربه آن را برای خود تکرار می کنید. وقتی من در مورد ایستگاه بازرسی و مرئی که در آنجا به من تجاوز کرد صحبت می کنم، هر گاه که در مورد احساس حاج سلمان هنگامی که از پشت بالش به من تاز یانه می زد صحبت می کنم یا اینکه آسمان تاریک موصل و سرگردانی خود برای دستیابی به کمک را تصویری می کنم، به آن زمان ها باز می گردم و تمامی ترس آن لحظات و خاطراتش را به یاد می آورم. دیگر ایزدی ها نیز خاطرات مشابه را به یاد می آورند. داستان من صادقانه روایت شده است و در اصل این بهترین سلاحی است که من امروز در برابر تروریسم در مشت دارم؛ تصمیم دارم تا زمانی که تمامی آن سربازان مورد محاکمه قرار گیرند، از این سلاح استفاده کنم. هنوز کارهایی زیادی باید انجام شود. رهبران جهان و رهبران جهان اسلام باید به پا خیزند و از این ستمدیدگان حمایت کنند.

هر کار می خواهید بکنید اما من نمی توانم با این نره غول بروم». من نمی دانم که چرا آن مرد حرف مرا قبول کرد، اما با یک نگاه به من رو به سلوان کرد و گفت: «او مال من است». سلوان با او جر و بحث نکرد. مرد لاغر یک قاضی در موصل بود و هیچکس بسا او مخالفت نمی کرد. من مرد لاغر را تا پای میز دنبال کردم. نامم را پرسید. او صدایی صاف اما نامهربان داشت. من پاسخ دادم: «نادیا»، سپس او رو به مسئول ثبت نام کرد. او همان لحظه مرد لاغر را به جا آورد و شروع به ثبت اطلاعات ما کرد. او همانطور که می نوشت، نام ما را بلند خواند: «نادیا، حاجی سلمان». هنگامی که مرد ثبت نام کننده نام ما را می خواند، صدایش لرزید، گویی ترسیده باشد و آنجا بود که فهمیدم اشتباهی بزرگ مرتکب شده ام.

نادیا مراد در نهایت از اسارت داعش گریخت. او در اوایل سال ۲۰۱۵ از عراق به اروپا قاچاق شد و به در آلمان پناهنده شد. در پایان همان سال کمیته بین المللی برای آگاه سازی مردم از قاچاق انسان راه اندازی کرد.

در نوامبر سال ۲۰۱۵ و یک سال و نیم پس از آنکه داعش به خانه ما در کوچو حمله کرد، از آلمان به سوییس سفر کردم تا با انجمنی از سازمان ملل که در زمینه مسائل اقلیت ها فعال است، گفتگو کنم. این اولین بار بود که می خواستم داستان اسارتم را برای جمعی بزرگ تعریف کنم. من می خواستم در مورد همه چیز صحبت کنم: کودکانی که به خاطر تشنگی در فرار از داعش جان باخته بودند؛ خانواده هایی که هنوز در کوه های اطراف گیر کرده بودند، زنان و کودکانی که به اسارت گرفته شده بودند و البته برادرانم که در میدان جنگ سلاخی شده بودند. من یکی از هزاران قربانی ایزدی بودم. مردم ما از خانه خود رانده شده بودند و در خارج یا داخل عراق خانه به دوش و پناهجو بودند، و کوچو هنوز در اشغال داعش به سر می برد. چیزهایی زیادی بود که باید در مورد آنچه به ایزدی های گذشت به جهانیان می گفتم.

من می خواستم به آنها بگویم هنوز کارهای زیادی باقی مانده است که باید انجام شود. ما باید یک منطقه امن برای اقلیت های مذهبی در عراق درست می کردیم. ما باید تمامی داعشی ها را برای انجام و حمایت از نسل کشی و جنایت علیه بشریت به پای میز محاکمه می کشانیم. ما باید تمامی سنجار



حمله داعش به سنجار و به اسارت گرفتن دختران برای استفاده به عنوان برده جنسی تصمیم لحظه ای چند سرباز حریص نبود بلکه داعش روی آن برنامه ریزی کرده بود؛ اینکه آنها چگونه به این خانه ها بیایند؛ چه صفتی یک زن را ارزشمند یا بی ارزش می کند؛ چه سربازی باید از سیایا (برده جنسی) به عنوان انگیزه بهره برد و چه سربازی باید برای آن پول پرداخت کند. آنها حتی در مجله پرزق و برق خود، دببق، در مورد بردگان جنسی تبلیغ می کردند تا از این طریق نیروهای تازه استخدام کنند. اما نکته اینجا است که داعش آنقدرها که خودشان فکر می کنند، بدیع و نوآور نیست. تجاوز در طول تاریخ به عنوان یک اسلحه نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. من هیچ گاه پیش از این فکر نمی کردم با یک زن کشور رواندا، فصل مشترکی داشته باشم؛ حتی پیش از این اسم این کشور را هم نشنیده بودم. اما امروز در این تجربه تلخ و به بدترین دلیل ممکن با آنها آشنا شده ام.

ما قربانی نوعی از جنایت جنگی هستیم که تنها کمتر از ۲۰ سال پیش به رسمیت شناخته شده است و ۱۶ سال پیش از حمله داعش به سنجار، اولین بار بود که یک نظامی به جرم انجام آن مورد بازجویی قرار گرفت.

در طبقه پایین یکی از سربازان تمام المس می کردند و دست به بدن ما می پرند، طوری که انگار ما حیوان هستیم. هنگامی که سربازان وارد اتاق ها می شدند، آشوب به پامی شد. همان ابتدا دخترها را وارسی می کردند و به زبان عربی و ترکی سوال می پرسیدند. سربازان مکرراً بر سر ما فریاد می کشیدند: «آرام باشید!» اما این دستور آنها تنها باعث می شد بلندتر فریاد بزنیم. سربازها در هر صورت من را به چنگ می آوردند، پس من کار را برای آنها سخت تر خواهم کرد. ضجه می کشدم، فریاد می زدم و دستانی را که به ستم می آمد را پس می زدم. باقی دخترها هم همین کار را می کردند، روی زمین به خود می پیچیدند و به سمت دیگر دخترها می رفتند تا ز یکدیگر حفاظت کنند.

هنگامی که روی زمین افتاده بودم یک سرباز دیگر روبه روی ما ایستاد. او یکی از نظامیان بلندپایه بود، سلوان نام، که به همراه دختر دیگری به این خانه آمده بود؛ دخترک جوانی که او هم ایزدی بود و از روستای هردان دزدیده شده بود.

سلوان به اینجا آمده بود تا او تحویل داده و یک دختر دیگر با خود ببرد. او به من گفت: «بلند شو». وقتی این کار را نکردم به من لگدی زد و گفت: «تو، دختری که زاکت صورتی داری، بهت گفتم بلند شو»

چشم هایش در گودالی ته صورت پهن و چاقش گیر کرده بود. تقریباً تمام صورت از ریش پر بود، او مانند یک مرد نبود، مانند یک هیولا بود. حمله داعش به سنجار و به اسارت گرفتن دختران برای استفاده از به عنوان برده جنسی تصمیم لحظه ای چند سرباز حریص نبود بلکه داعش روی آن برنامه ریزی کرده بود؛ اینکه آنها چگونه به این خانه ها بیایند؛ چه صفتی یک زن را ارزشمند یا بی ارزش می کند؛ چه سربازی باید از سیایا (برده جنسی) به عنوان انگیزه بهره برد و چه سربازی باید برای آن پول پرداخت کند. آنها حتی در مجله پرزق و برق خود، دببق، در مورد بردگان جنسی تبلیغ می کردند تا از این طریق نیروهای تازه استخدام کنند. اما نکته اینجا است که داعش آنقدرها که خودشان فکر می کنند، بدیع و نوآور نیست. تجاوز در طول تاریخ به عنوان یک اسلحه نظامی مورد استفاده قرار گرفته است. من هیچ گاه پیش از این فکر نمی کردم با یک زن کشور رواندا، فصل مشترکی داشته باشم؛ حتی پیش از این اسم این کشور را هم نشنیده بودم. اما امروز در این تجربه تلخ و به بدترین دلیل ممکن با آنها آشنا شده ام.

ما قربانی نوعی از جنایت جنگی هستیم که تنها کمتر از ۲۰ سال پیش به رسمیت شناخته شده است و ۱۶ سال پیش از حمله داعش به سنجار، اولین بار بود که یک نظامی به جرم انجام آن مورد بازجویی قرار گرفت.

ما را المس می کردند و دست به بدن ما می پرند، طوری که انگار ما حیوان هستیم.

هنگامی که سربازان وارد اتاق ها می شدند، آشوب به پامی شد. همان ابتدا دخترها را وارسی می کردند و به زبان عربی و ترکی سوال می پرسیدند. سربازان مکرراً بر سر ما فریاد می کشیدند: «آرام باشید!» اما این دستور آنها تنها باعث می شد بلندتر فریاد بزنیم. سربازها در هر صورت من را به چنگ می آوردند، پس من کار را برای آنها سخت تر خواهم کرد. ضجه می کشدم، فریاد می زدم و دستانی را که به ستم می آمد را پس می زدم. باقی دخترها هم همین کار را می کردند، روی زمین به خود می پیچیدند و به سمت دیگر دخترها می رفتند تا ز یکدیگر حفاظت کنند.

هنگامی که روی زمین افتاده بودم یک سرباز دیگر روبه روی ما ایستاد. او یکی از نظامیان بلندپایه بود، سلوان نام، که به همراه دختر دیگری به این خانه آمده بود؛ دخترک جوانی که او هم ایزدی بود و از روستای هردان دزدیده شده بود. سلوان به اینجا آمده بود تا او تحویل داده و یک دختر دیگر با خود ببرد. او به من گفت: «بلند شو». وقتی این کار را نکردم به من لگدی زد و گفت: «تو، دختری که زاکت صورتی داری، بهت گفتم بلند شو»

چشم هایش در گودالی ته صورت پهن و چاقش گیر کرده بود. تقریباً

ما را المس می کردند و دست به بدن ما می پرند، طوری که انگار ما حیوان هستیم.

هنگامی که سربازان وارد اتاق ها می شدند، آشوب به پامی شد. همان ابتدا دخترها را وارسی می کردند و به زبان عربی و ترکی سوال می پرسیدند. سربازان مکرراً بر سر ما فریاد می کشیدند: «آرام باشید!» اما این دستور آنها تنها باعث می شد بلندتر فریاد بزنیم. سربازها در هر صورت من را به چنگ می آوردند، پس من کار را برای آنها سخت تر خواهم کرد. ضجه می کشدم، فریاد می زدم و دستانی را که به ستم می آمد را پس می زدم. باقی دخترها هم همین کار را می کردند، روی زمین به خود می پیچیدند و به سمت دیگر دخترها می رفتند تا ز یکدیگر حفاظت کنند.

هنگامی که روی زمین افتاده بودم یک سرباز دیگر روبه روی ما ایستاد. او یکی از نظامیان بلندپایه بود، سلوان نام، که به همراه دختر دیگری به این خانه آمده بود؛ دخترک جوانی که او هم ایزدی بود و از روستای هردان دزدیده شده بود. سلوان به اینجا آمده بود تا او تحویل داده و یک دختر دیگر با خود ببرد. او به من گفت: «بلند شو». وقتی این کار را نکردم به من لگدی زد و گفت: «تو، دختری که زاکت صورتی داری، بهت گفتم بلند شو»

چشم هایش در گودالی ته صورت پهن و چاقش گیر کرده بود. تقریباً



نادیا مراد، برنده جایزه صلح نوبل قسمتی از داستان زندگی خود را برای ما شرح خواهد داد: از اسارت به عنوان برده جنسی در دستان سربازان داعش تا تبدیل شدن به یک فعال حقوق بشر.

بازار بردگی شب ها به پا می شد. ما صدای همههم شبه نظامیان را می شنیدیم که در طبقه پایین ثبت نام می کردند و سازمان دهی می شدند. هنگامی که اولین مرد به اتاق ما وارد می شد، دخترها همگی فریاد می کشیدند. اوضاع شبیه صحنه انفجار می شد. از شدت درد زخم ها فریاد می کشیدیم و روی کف اتاق خم شده و استفراغ می کردیم، اما هیچ کدام از این کارها جلودار سربازان نبود. آنها در اتاق پرسه می زدند و در حالی که ما فریاد می کشیدیم و التماس می کردیم به ما زل می زدند. آنها اول به سمت زیباترین دختر می رفتند و از او می پرسیدند: «چند ساله هستی؟»

سپس دهان و موهای وی را بررسی می کردند. از نگاهی می پرسیدند: «این ها باکره هستند! نه؟». او نیز مانند فروشنده ای که از کیفیت محصولات خود سرخوش و راضی است، سری به علامت تایید نشان می داد و می گفت: «البته». پس از آن سربازان هر طور که می خواستند

خبر

رای الیوم:

سامانه اس ۳۰۰ قواعد بازی را در سوریه تغییر می دهد

روزنامه فرامنطقه ای رای الیوم با اشاره به تحلیل های روزنامه های صهیونیستی از ورود سامانه موشکی اس ۳۰۰ به سوریه، واکنش رژیم صهیونیستی را در این باره متناقض با تهدید های پیشین این رژیم دانست و تاکید کرد: ورود این سامانه موشکی به سوریه قواعد بازی را تغییر می دهد.

رای الیوم در گزارشی به قلم زهیر اندراوس نوشت: خبرنگار سیاسی روزنامه صهیونیستی هاآرتص به نقل از یک منبع سیاسی عالی رتبه و بسیار نزدیک به بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی اعتراف کرد که ورود سامانه موشکی اس ۳۰۰ از روسیه به سوریه قواعد بازی را تغییر

خواهد داد.

این منبع عالی رتبه با تاکید بر این که این سامانه بسیار پیشرفته چالشی بزرگ برای رژیم صهیونیستی به شمار می آید، در ادامه افزود که تل آویو هم به شکل دیپلماتیک و هم سیاسی برای غلبه بر این چالش جدید اقدام خواهد کرد.

وی با اشاره به این که نیروی هوایی رژیم صهیونیستی هیچ حمله نظامی را به اراضی سوریه پس از سقوط هواپیمای روسی (حدود سه هفته پیش) انجام نداده است، تصریح کرد: این امر از نظر تحلیل گر سیاسی هاآرتص نشانگر ترس رژیم صهیونیستی از واکنش مسکواست.

از سویی دیگررو YNET وابسته به

روزنامه صهیونیستی بدیعت آحارونوت با اشاره به این که سامانه موشکی ضد هوایی اس ۳۰۰، عملیات ارتش رژیم اشغال گر را به شدت سخت و غیر ممکن می کند، بر اهمیت برخی اقدامات دیپلماتیک از سوی نخست وزیر رژیم صهیونیستی در راستای رسیدگی به سیاست نامعلوم کشورش با روسیه، تاکید کرد.

این تحلیل گر صهیونیست تاکید کرد که روسیه از سه اقدام پس سقوط هواپیمای خود خبر داده بود که به ترتیب در حال اجرایی کردن آنهاست؛ نخست تجهیز سوریه به سامانه موشکی اس ۳۰۰ که طبق اعلام روسیه انجام شد. اقدام دوم، طبق گفته منابع تل آویو، تجهیز سیستم دفاع هوایی سوریه



به سامانه جدید نظارت الکترونیکی است که به واسطه آن سوری ها بهتر می توانند هواپیماهای دوست و دشمن را شناسایی کنند. بن یسای اقدام سوم را به کارگیری سیستم های جنگی الکترونیکی برای غیر